

مراسی مختارة فی موانئ سومر واکاد:

توقفگاههای برگزیده از چشم‌اندازهای سومر و اکد:

اخترت سومر واکاد؛ لأنه من المؤكد آثارياً وتاريخياً ودينياً أن نوحاً (ع) وإبراهيم (ع) ([1]) منهم، فهم أصل الدين، ومنهم بدأ الدين في أول الزمان، ومنهم يبدأ في آخر الزمان.

سومر و اکد را برگزیدم؛ چرا که از نظر آثار باستانی، تاریخی و دینی ثابت شده است که نوح و ابراهیم ع از ایشان می‌باشند؛ ([۱]) بنابراین آنها اصل و ریشه‌ی دین هستند و در ابتدای زمان، دین از آنها آغاز گشته است و در آخرالزمان نیز از آنها آغاز خواهد شد.

فهم شعب ناحوا آلاف السنين على دموزي أو (الابن الصالح)، وانتظروا جلجامش أو (المحارب الذي في المقدمة)، ولا زال من أتوا بعدهم في بلاد ما بين النهرين ينوحون على الحسين (ع)، وينتظرون المهدي الذي انتظروه، جلجامش الموعود بظهوره في بلادهم منذ آلاف السنين. نسأل الله أن يصلح أحوالهم، ويهديهم إلى صراطه المستقيم، ويختم لهم بخير.

زیرا از لحاظ آثاری و تاریخی و دینی ثابت شده آنها ملتی هستند که هزاران سال بر دُموزی یا «فرزند نیکوکار» نوح‌سراییی کردند و در انتظار گیلگمش یا «جنگجویی که پیشاهنگ است» به سر بردند و پیوسته کسانی که پس از آنها در سرزمین بین‌النهرین آمدند نیز بر حسین ع نوح‌سراییی

می‌کنند و در انتظار مهدی به سر می‌برند؛ گیلگمشی که هزاران سال است به ظهور او در سرزمینشان وعده داده شده است.

أما من ينتظرون ظهور المهدي في مكان آخر غير سومر وأكاد، بلاد آبائه نوح وإبراهيم (عليهما السلام) ([2]) فسيطول انتظارهم وسيكون انتظاراً بلا نهاية.

اما کسانی که در جایی غیر از سرزمین سومر و اکد سرزمین پدران مهدی، نوح و ابراهیم ع- منتظر ظهور مهدی هستند، ([۲]) انتظارشان به درازا خواهد کشید و انتظاری بی‌پایان خواهند داشت.

[1]. أما ارتباط نوح وحفيده إبراهيم (عليهما السلام) ببلاد ما بين النهرين آثارياً وتاريخياً فواضح، وهو ما انتهى إليه عالم الآثار الشهير (سير ليونارد وولي) وغيره في تنقيبهم عن مخلفات الطوفان في (أور) إحدى مدن السومريين الرئيسية، يقول عالم الآثار الألماني وورنر كلير: (وهكذا التقت واتحدت أسطورة جلجامش مع قصة طوفان نوح في بئر محفور في سهل وادي الرافدين) الإنجيل كتاريخ، إثبات كتاب الكتب، نيويورك: ويليام مورو، 1964، الصفحات 25-29 .

وأما دينياً، فهذه بعض النصوص التي تؤكد ذلك:

عن المفضل بن عمر، قال: (كنت عند أبي عبد الله (ع) بالكوفة أيام قدم على أبي العباس فلما انتهينا إلى الكناسة .. قال: انزل فإن هذا الموضع كان مسجد الكوفة الأول الذي خطه آدم (ع) وأنا أكره أن أدخله ركباً. قال: قلت: فمن غيره عن خطته؟ قال: أما أول ذلك الطوفان في زمن نوح (ع) .. فقلت: وكانت الكوفة ومسجدها في زمن نوح (ع)؟ فقال لي: نعم يا مفضل، وكان منزل نوح وقومه في قرية على منزل من الفرات مما يلي غربي الكوفة .. يا مفضل ههنا نصبت أصنام قوم نوح (ع) "يغوث ويعوق ونسرا" .. ثم إن الله

تبارك وتعالى أرسل عليهم المطر فيفيض فيضاً وفاض الفرات فيضاً والعيون كلهن فيضاً فغرقهم الله عز ذكره وأنجى نوحاً ومن معه في السفينة ..) الكافي: ج 8 ص 281.
وعن ابن مسكان، قال: قال أبو عبد الله (ع): (إن أزر أبا إبراهيم كان منجماً لنمرود بن كنعان، فقال له: إني أرى في حساب النجوم أن هذا الزمان يحدث رجلاً فينسخ هذا الدين ويدعو إلى دين آخر، فقال له نمرود: في أي بلاد يكون؟ قال: في هذه البلاد، وكان منزل نمرود بكوثي ربي ..) بحار الأنوار: ج 12 ص 29.
وهي قرية في العراق، انظر: معجم البلدان - ياقوت الحموي: ج 4 ص 487.

[1]- اما ارتباط نوح و نوادش ابراهيم ع با سرزمين بينالنهرين از نظر باستانی و تاریخی واضح است؛ این همان چیزی است که باستان‌شناس معروف «سر لئونارد وولی» و سایر کاوشگران باقیمانده‌های طوفان در «اور» یکی از شهرهای اصلی سومریان به آن دست یافتند. باستان‌شناس آلمانی «ورنر کلیر» می‌گوید: (و این گونه افسانه‌ی گیلگمش با قصه‌ی طوفان تلاقی و اتحاد پیدا می‌کند؛ در چاهی حفر شده در دشت سرزمین بینالنهرین). انجیل از منظر تاریخ، اثبات کتاب کتابها، نیویورک: ویلیام مورو، 1964، صفحه 25 تا 29.
و اما از منظر دینی، برخی از متونی که بر این موضوع تأکید می‌ورزند:
از مفضل بن عمر نقل شده است که گفت: نزد ابو عبدالله امام صادق ع هنگامی که به سمت ابوالعباس می‌رفت بودم. وقتی به کناسه (مکانی در کوفه) رسیدیم ... فرمود: (پیاپی شو! اینجا مکان اولین مسجد کوفه است که آدم ع طرح‌ریزی نمود و من کراحت دارم که سواره به اینجا داخل شوم. گفتم: چه کسی آن را تغییر داد؟ فرمود: نخستین چیزی که آن را تغییر داد، طوفان در زمان نوح ع بود.... عرض کردم: آیا کوفه و مسجدش در زمان نوح ع وجود داشت؟ به من فرمود: آری ای مفضل! منزل نوح و قومش در قریه‌ای در یکمنزلی فرات در سمت غربی کوفه قرار داشت... ای مفضل! همینجا بتهای قوم نوح ع برپا بود: یغوث، یعوق و نسر... سپس خداوند تبارکوتعالی بارانی سیل‌آسا بر آنها فرو فرستاد و فرات و تمامی چشمه‌ها طغیان کردند و خداوند (یادش بزرگ باد) آنها را غرق نمود و نوح و کسانی که در کشتی همراهش بودند را رهانید...). کافی: ج 8 ص 281.
و از ابن مسکان روایت شده است: ابو عبدالله ع فرمود: (آزر پدر ابراهیم ع منجم نمرود بن کنعان بود. به او گفت: من با حساب ستارگان دیدم که در این زمان مردی به دنیا می‌آید که این دین را منسوخ و به دین دیگری دعوت می‌کند. نمرود به او گفت: در کدام سرزمین چنین چیزی رخ می‌دهد؟ گفت: در همین سرزمین؛ و خانه‌ی نمرود در کوثی ربی بود؛ که این سرزمین، قریه‌ای در عراق می‌باشد. معجم البلدان - یاقوت الحموی: ج 4 ص 487.

[2]. روی ابن الأثیر حدیث علی (ع): (قال له رجل: أخبرني يا أمير المؤمنين عن أصلكم معاشر قريش، فقال: "نحن من كوثر" أراد كوثر العراق وهي سرّة السواد وبها ولد إبراهيم الخليل) النهاية في غريب الحديث والأثر: ج 4 ص 208.

[۲] - ابن اثیر حدیثی از علی ع روایت می‌کند: (مردی به او عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! از ریشه‌ی خودتان ای گروه قریش، مرا باخبر نما. فرمود: ما از کوئی هستیم؛ و منظور کوئی عراق است که در میان سواد قرار دارد و آنجا محل تولد ابراهیم خلیل می‌باشد). نهایت فی غریب الحدیث و الاثر: ج 4 ص 208.

